

بررسی
ریشه‌های جوهر
شعر دَری

دکتر حبیب اله طالبی

به اهتمام: حسین مشرقی

طالبی، حبیب اله

بررسی ریشه های جوهر شعر دری / حبیب اله طالبی: تدوین، حسین مشرقی --

مشهد: نشر نووند، ۱۳۹۰ - ۴۸ ص.

شابک: 978-964-6824-3-6 ISBN

وضعیت فهرست نویسی: قیفا :

عنوان اصلی: بررسی ریشه های جوهر شعر دری

۱ - شعر فارسی دری

۸۶۱۸ ش/۷/۷۸۱۷۸۸ RA

۶۱۳/۷۰۴۶ ۱۳۸۲

کتابخانه ملی ایران: ۱۴۷۴۹ - ۸۲ م



نشر نووند

مشهد: میدان سعدی، بازارچه کتاب، طبقه همکف. پلاک ۲۲. تلفن: ۲۲۵۵۱۶۸ - ۵۱۱.

بررسی ریشه های جوهر شعر دری در قرون اولیه هجری

حبیب اله طالبی

به همت مهندس حسین مشرقی

چاپ اول تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی

۴۶ صفحه - تیراژ ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: شایان - چاپ و صحافی: سعید

شابک: ۶ - ۳ - ۶۸۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

بنام خداوند جان و خرد

مدتی قبل همسر دایم مرحوم دکتر حبیب اله طالبی استاد ادبیات دانشگاه‌های مختلف تهران با من تماس گرفتند که نوشتاری از دایم را در میان یادداشت‌ها و کاغذهای ایشان یافته‌اند که به نظر می‌رسد برای چاپ و تکثیر توسط ایشان تهیه شده بوده و این شد که این یادداشت به دست من رسید.

همه ما دایم حبیب را بسیار دوست داشتیم و بدون اغراق از داشتن چنین خویشاوندی به خود می‌بالیدیم. او انسانی دانا، فهیم، آزاده، بانشاط و سرزنده بود که هر کس او را می‌شناخت دوستش داشت.

یکی از بهترین ایام دوران کودکی من وقتی بود که دایم حبیب به خانه ما می‌آمد و یا ما به بجنستان به منزل پدر بزرگمان می‌رفتیم.

دایم حبیب که معلم بود شبها همه را دور خود جمع می‌کرد و برای ما داستانهای زیبا و دلکشی می‌گفت که در خلال آنها نه تنها درس انسانیت و آزادگی می‌آموختیم بلکه با گذشته‌های پرافتخار ایران عزیز آشنا می‌شدیم.

یادم می‌آید که او داستان دلکش بوی جوی مولیان رودکی را چنان برایمان بازگو می‌کرد که بارها و بارها تقاضای تکرار آن را می‌کردیم و هر بار آن را بصورتی زیباتر بیان می‌کرد، در خلال داستانهای دایم حبیب چنان با رستم و اشکبوس یکی شده بودیم که درد تیر خدنگ رستم را در سینه اشکبوس حس می‌کردیم و از پیروزی پهلوان شاهنامه غرق غرور و افتخار می‌شدیم. ما همچون شاگردان افسون شده در اطراف معلم خود می‌نشستیم و او ما را به دنیای رودکی، فردوسی، حافظ، سعدی و دیگران

می برد و مشامان را از عطردل انگیز گفته های آنان عطرآگین می کرد. ما شاگردانی بودیم که از گوش سپردن به گفته ها و تماشای رفتارش خیلی چیزها می آموختیم زیرا او اعمالش نیز معلم وار بود.

وقتی برای ادامه تحصیل در دانشگاه به تهران آمدم منزل او که اکنون در تهران ساکن بود تنها ملجأ و امید من دانشجوی ناپخته شهرستانی بود که هر گاه مریض می شدم و یا به گرفتاریی برخورد می کردم به آنجا پناه می بردم، او و همسر مهرانش چنان با روی خوش و محبتی بی دریغ با من برخورد می کردند که غریب و تنها بودن خود در تهران را از یاد می بردم. در سالهای آخر دانشگاه وقتی با همسر من که فرزند دانی دیگرم بود و او نیز چون من غریب و تنها در دانشگاه تهران درس می خواند ازدواج کردم این محبتها دو چندان شد که اکنون دانی حبیب عموی همسر من نیز بود. دکتر حبیب اله طالبی انسانی آزاده بود که آزادی و آزادگی را با رفتار و کردار و گفتارش به ما می آموخت و همه ما شیفته دیدار و مصاحبتش بودیم.

هنوز یاد آن روزی که برادرم به من در راه دور نشسته تلفن زد و مهاجرت بی بازگشت دانی حبیب را اطلاع داد در خاطر دارم، من که نمی توانستم جلو گریه و اشک خود را همچون هم اکنون که این یادداشت را می نویسم بگیریم پای تلفن فریاد برآوردم که:

از میان دو چشم یک تن کم از میان خرد هزاران بیش

من و همسر من بانو فلور طالبی که کاری بزرگ را در زمینه شاهنامه حکیم فرزانه طوس فردوسی خردمند آغاز کرده بود نه تنها معلم و آموزگار خود را که یگانه پشتوانه بزرگی را که جوابگوی هر سؤال و پرسشی در

زمینه ادبیات بود از دست داده بودیم.

اکنون که این یادداشت که در مورد بالندگی ادبیات مادریمان فارسی دَری در شروع زندگی مجدد خود در قرون اولیه هجری توسط مرحوم دکتر طالبی نوشته شده را تقدیم علاقمندان می‌نمایم، امید دارم که مورد استفاده قرار گیرد.

به سبب اینکه موضوع این یادداشت در حیطه تخصص من نبوده و بیش از پنج سال از فوت مرحوم دکتر طالبی نیز می‌گذرد نمی‌دانم که آیا ایشان خیال بازنگری در متن را داشته‌اند یا خیر لذا از اساتید محترم و ارباب فن تمنا می‌کنم چنانچه اشکالاتی در متن می‌یابند آن را به دیده اغماض بنگرند.

در انتها از همسر مرحوم دکتر طالبی سرکار خانم ماهرخ تربتی که محبت فرموده و این یادداشت را در اختیار من قرار دادند صمیمانه و خالصانه تشکر می‌نمایم.

مهندس حسین مشرقی بجستانی

۱۳۸۹/۴/۲۲

یادداشت

به نام خداوند جان و خرد

از آنگاه که نخستین دم مسیحائی نغمه ذری، بر سرزمینهای تازه از بند رسته ایران زمین وزیدن گرفت و در کالبد فرسوده و رنجدیده سرزمین اورمزد، جان تازه‌ای دمید، حدود دوازده قرن گذشته است. دوازده قری که هر لحظه آن پروراننده شکوفه‌های تازه و بدیع بر شاخسار ادب بوده، و هر لمحّش پدید آوردنده نقش نوی در کارگاه هنر گشته است.

ظاهراً تصور منطقی چنین حکم میکند که در قیاس کلی ادب فارسی، شعر دوره آغازین ذری، به مثابه نهری کوچک و کم دامنه است که برای راه به جایی بردن، بسیار زمان لازم دارد؛ و البته از برخی جهات چنین هم هست. زیرا شعر این عصر لااقل از لحاظ بُعد جغرافیایی دنیایی محدود داشت. لیکن با اینهمه ناگزیر باید اذعان کرد که چه از نظر کیفیت و چه از لحاظ کمیت، برخلاف تصور، همچون دریایی پهناور است که امواج گوش نوازش، در سراسر مملکت طنین می‌افکند، و برکت باران لطفش در دوردست‌ترین مرزهای ایران، مردم مشتاق را سیراب می‌سازد.

باعث کمال تاسف است که گذشت زمان از سوئی و ایلغارها و ترکتازیهای تمدن بر باده از سوی دیگر، اوراق زرین آن گنجینه‌های گرانقدر را به دست باد یغما سپرده و بنیان چنان کاخهای پرشکوه و ذوق آفریده را از ریشه برکنده است. اکنون تنها نشانی از آنهمه عظمت و لطیف قریحه، آنهم بصورت بسیار پراکنده در لابلای اسناد و مدارک ادبی قرون بعد، برجای مانده و به دست ما رسیده است. معهذا همین اندک بازمانده، خود مُشتی نمونه خروار است، و میتواند رهگشای صاحبان ذوق به دیار

اندیشه و گویندگان آن زمان باشد.

خوشبختانه، به همت ادیبان فرهنگدوست ایرانی و خارجی که دلبسته آثار ذوقی و فکری بشرند، آثار بازمانده آن دوره تا آنجا که در قوه امکان بوده گردآوری و مدون گشته است. همچنین تحقیق در شرح حال شاعران و اوضاع و احوال اجتماعی روزگار آنان و بسیاری مسائل دیگر، به وسیله محققان شرقی و غربی، انجام گرفته و در کتب تاریخ ادبیات و جنگها و تذکره‌ها و تالیفات خاص دیگر درج گشته است. اما در این میان، نکته‌ای که با تمام اهمیت، نه تنها در شعر دوره نخست بلکه در هیچیک از آثار و اشعار، مورد توجه و عنایت و سنجش قرار نگرفته، جوهر شعر و عنصر اصلی و اساسی آنست؛ حتی در کتابهایی که موضوع آنها، بررسی شعر و قضاوت درباره زشتی و زیبایی آنست، چنین نکته مهمی اصلاً سنجیده نشده و توضیح داده نشده است؛ و تنها مقداری صفات کلی از مدح و ذم گرفته تا قالب و فرم، وسیله قضاوت درباره شعر شده است. شاید از نظر افتادن این نکته اصل در شعر، بدان جهت بوده که نیاز به صرف وقت بیشتر و دقت نظر و آگاهی و ذوق وافر داشته است.

البته در آثار ادبی خاص که به بررسی سبک اشعار و صور خیال و دیگر ویژگیهای آن پرداخته شده؛ اشاراتی کلی در این باره هست؛ لیکن اثری که شعر را از نظر جوهر خاص شعری، مورد نقد و بررسی قرار داده و همه ابعاد و جوانب آنرا بخوبی مورد توجه و دقت قرار داده باشد ندیده‌ام.

بدین دلیل، در فرصتی که پیش آمد توفیقی نصیب شد تا در لابلای دفاتر بازمانده از قرون گذشته به جستجو پردازم و با گلگشتی در میان اندک آثار بازمانده از نخستین پدیده‌های هنری و جلوه‌های ذوق

سرایندگان دوره سامانی، گامی هرچند بسیار کوتاه بردارم. بدان امید که این دفتر آغازی باشد برای ادامه طریق در راهیابی به اوج و حضيض هنر شاعران آن عهد.

با توجه به اینکه تحلیل هنری و بررسی شیوه کاربرد صنایع بدیعی و دریافت کیفیت تصویرسازی و تجسم و قدرت آفرینش شاعران؛ بدون آگاهی از سرچشمه‌ها و منشاء افکار میسر نیست؛ پیش از طرح موضوع اصلی، نخست به بررسی محیط زندگی و احوال اجتماعی روزگار سرایندگان می‌پردازیم.

اگر در ترتیب و تنظیم مطالب آشفتگی ملاحظه شود، علت آن نداشتن طرح قبلی و فراهم ساختن مطالب به شیوه ارتجالی بوده است. انتظار غمض عین دارد.

حبیب اله طالبی